

مدرسه درامپردازی

درباره رابرت بولت؛ نویسنده مردی برای تمام فصول و لورنس عربستان

چاپ شده در: مجله دنیای تصویر

زمان انتشار: آبان ماه ۱۳۸۱

فیلمنامه نویس و نمایشنامه نویس بزرگی که برای نگارش متن نمایش و فیلم مردی برای تمام فصول اسکار فیلمنامه سال ۱۹۶۶ را از آن خود کرد. با نام کامل رابرت آکستون بولت در ۱۵ آگوست ۱۹۲۴ در سیلز در ایالت منچستر کشور انگلستان به دنیا آمد. او که فرزند یک مغازه دار معمولی بود، به مدرسه گرامر منچستر رفت. اما بعدها اقرار کرد که از فرصت و موقعیتش در این مدرسه، بهره ناپذیری برد. در آغاز جوانی در یک دفتر بیمه مشغول به کار شد. ولی مدتی بعد وارد دانشگاه منچستر شد و در رشته تاریخ تحصیل کرد. ادامه تحصیل او در دانشگاه اکستیر، به یک سال معلمی در مدرسه کوچکی در مناطق روستایی دیوون انجامید و بعد با هفت سال معلمی در میل فیلد، ادامه یافت.

در طول همین سالهای تدریس بود که رابرت بولت برای رادیو دهها نمایشنامه نوشت که همه اجرا و پخش شد. به دنبال موفقیت یکی از نمایشنامه هایش به نام شکوفایی گیلاس پس از اجرای صحنه ای در سالنهای تئاتر لندن، تمام وقت خود را صرف نوشتن کرد و در سال ۱۹۶۰، دو نمایشنامه اش به نامهای بیر و اسب و مردی برای تمام فصول همزمان در وست اند به روی صحنه رفت و به توفیق حیرت انگیزی دست یافت. در حالی که در سال ۱۹۵۹، فیلمی به نام **Bluhende Traume** براسا یکی از نمایشنامه های بولت ساخته شده بود. او نخستین فیلمنامه خود را برا فیلم عظیم لورنس عربستان (۱۹۶۲) نوشت که در همان ابتدای مسیر، نامزدی جایزه اسکار را برایش به ارمغان آورد و به یکی از بهترین فیلم های دیوید لین کبیر بدل شد. همکاری او و لین با فیلم دکتر ژیاگو (۱۹۶۵) ادامه یافت و این بار، بولت در دومین تجربه نگارش فیلمنامه در طول زندگی اش، برنده جایزه اسکار شد.

در سال ۱۹۶۶، فیلمی که فرد زینه مان براساس فیلمنامه بولت ساخت، اغلب اسکارهای اصلی را ربود و از جمله، متن اقتباسی بولت برپایه نمایشنامه مردی برای تمام فصول خودش، بار دیگر اسکار فیلمنامه را از آن او کرد. فیلمنامه بعدی بولت، باز هم، توسط دیوید لین به فیلمی ماندگار بدل شد. دختر رایان (۱۹۷۰).

دو سال بعد، بولت برای نخستین بار فیلمنامه‌ای از خودش با نام لیدی کارولین لمب (۱۹۷۲) را کارگردانی کرد. فیلم اول بولت در اغلب بررسی‌های انتقادی و تحلیلی، ناموفق و ضعیف ارزیابی شده و اتفاقاً مشکل اصلی آن را بیشتر به فیلمنامه‌اش مربوط دانسته‌اند که در اثر کاستی‌های فراوان، ماجرای جدی ننگ و رسوایی همسر یک سیاستمدار انگلیسی به خاطر رابطه آشکارش با لرد بایرون را مضحک و خنده‌آور جلوه می‌دهد. بولت با این شکست، دیگر هیچ‌گاه فیلمی را جلوی دوربین نبرد و در عوض، بعد از سال‌ها فاصله، با تلفیق دو فیلمنامه متفاوتی که در اصل برای دیوید لین نوشته بود، فیلمنامه شورش را اجرا کرد که راجر داندلسون در ۱۹۸۴ و با استفاده از بازیگرانی چون مل گیسون، آنتونی هاپکینز، ادوارد فاکس، دنیل دی لویس، لیام نیسن و لارنس الیویر، آن را به یکی از بهترین فیلم‌های خود بدل ساخت و دو سال بعد، رولند جافی را بهره‌گیری از فیلمنامه درخشان بولت و حضور بازیگرانی چون رابرت دونیرو و جری آیرونز، همین کار را در فیلم مأموریت مذهبی (۱۹۸۶) انجام داد.

در سال ۱۹۹۱، وقتی دیوید لین از دنیا رفت، بولت داشت بر روی اقتباسی از «نوسترامو» اثر جوزف کنراد کار می‌کرد تا لین آن را بسازد. همان سال، یکی از آثار بولت با عنوان بدون هشدار: سرگذشت جیمز برادی در قالب تئاتر تلویزیونی اجرا و پخش شد. این عملاً آخرین کاری بود که براساس متنی از رابرت بولت ساخته شد.

چهار سال بعد، در دوازدهم فوریه ۱۹۹۵، بولت در ۷۱ سالگی در پترزفیلد در ایالت همپشایر انگلستان درگذشت. او چهار بار ازدواج کرد که دو بار از این چهار بار، با یک ستاره سینما و تئاتر بود: او یک بار در سال ۱۹۶۷ با سارا مایلز، بازیگر مشهور انگلیسی فیلم‌هایی چون پیشخدمت (جوزف لوزی، ۱۹۶۳)، آگراندیسمان (میکل آنجلو آنتونیونی، ۱۹۶۶) و دختر رایان ازدواج کرد و در سال ۱۹۷۶، چهار سال بعد از تولد فرزند مشترکشان بن بولت، از او جدا شد. اما بعدها و در ۱۹۸۸، بار دیگر با سارا مایلز ازدواج کرد و

از آن موقع تا زمان مرگش، هفت سال پایانی زندگی خود را در کنار او گذراند. سارا مایلز در ضمن نقش اصلی تنها فیلم بولت، لیدی کارولین لمب را ایفا کرد و پس از درگذشت او، دیگر ازدواج نکرد.

رابرت آکستون بولت در تمام دوران فعالیتش در سینما، هرگز یک فیلمنامه نویس حرفه‌ای نبود و این کار را شغل خود نمی‌دانست. در همه آن سال‌ها تنها شش فیلمنامه نوشت و یک فیلم ساخت، اما تقریباً همیشه می‌توانید نامش را در فهرست بزرگ‌ترین فیلمنامه‌نویسان تاریخ سینما ببینید. دو شخصیت بسیار پیچیده‌ای که دو فیلمنامه مردی برای تمام فصول و لورنس عربستان آفرید (توماس مور / پل اسکافیلد و تی.ای.لورنس / پیتر اوتول). هنوز به منزله نمونه‌های متعالی و استثنایی پرداخت کاراکتر قهرمان، قابلیت آموزشی دارد و مجموعه آثار کم‌شمار او را می‌توان مدرسه‌ای ابدی برای فراگیری اصول کلی و شیوه‌های خاص پردازش درام، پیشبرد وقایع مختلف و پراکنده به شکلی منسجم و متمرکز بر خط اصلی روایت، ایجاد کشمکش‌های درخشان و نهفته در بین شخصیت‌ها و سرانجام نگارش دیالوگ‌های پرمغز و عمیق ولی راحت و باورپذیر در دل مکالمات جاری و عادی روزمره به حساب آورد. بولت در عرصه فیلمنامه‌نویسی، به قرینه نام بزرگ‌ترین شاهکارش، مردی است برای تمام فصول، برای همیشه.